

● معرفی و خلاصه کتاب

افغانستان و آسیای مرکزی^۱

روند تحولات، مناقشه‌ها و ظرفیت درگیری

«سیتاماس» و «یوهانس رایسنر»، سال انتشار: مارس ۱۹۹۸، ناشر: بنیاد علم و سیاست، محل انتشار: «ابن‌هاوزن» - آلمان، تعداد صفحات: ۴۱۰ صفحه (در دو جلد).

سیاست‌ها و فراگرد تحولات همگرایی و واگرایی در دولت‌های این منطقه ناشی می‌شوند؛

- نشان دادن انتخاب عمل‌هایی که با استفاده از آنها آلمان یا دیگر سازمان‌های امنیتی اروپا، امکان کمک در ایجاد ثبات منطقه‌یی را می‌یابند.

این تحقیق، منطقه آسیای مرکزی را مشتمل بر افغانستان، دولت‌های سابق اتحاد شوروی یعنی اعضای کنونی سازمان CIS^۲

با فروپاشی اتحاد شوروی، فراگردهای دشوار تغییر ساختار اساسی در آسیای مرکزی آغاز شد. این فراگردها با اقدامات متعدد بازیگران محلی، منطقه‌یی و خارجی (در داخل آسیای مرکزی) مشخص می‌شوند و اغلب نیز به زحمت می‌توان آنها را شناسایی کرد. اما این منطقه از سویی به علت منابع گسترده انرژی‌های فسیلی و از سوی دیگر به دلیل درگیری‌هایی نظیر آنچه که در افغانستان رخ می‌دهد، آشکارا کانون توجه سیاست بین‌الملل شده‌است.

با توجه به این نکات، پژوهش در دو حوزه زیر در نوشتار حاضر از سوی وزارت دفاع آلمان به مؤسسه تحقیقاتی «بنیاد علم و سیاست» محول گردید:

- بررسی روابط و تأثیرهای متقابل بر ثبات منطقه‌یی و فرامنطقه‌یی که از منافع،

1. Citha Mass\ Johannes Reissner; "Afghanistan und zentralasien. Entwicklungsdynamik, Konflikte und Konfliktpotentiate", Mars 1998. [Teila: Dachstudie, Teil B: Analysen].

2. CIS: Common wealth of Independent States

شامل قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان و هم چنین «ایران و پاکستان» قرار داده است. البته دو کشور اخیر به دلیل دارا بودن اقوام فراملی، پیوندهای فرهنگی و تاریخی، منافع سیاسی و اقتصادی و نیز عملکرد فزاینده در داخل این منطقه، به عنوان آسیای مرکزی طبقه بندی شده اند؛ و این هويت دوگانه بین المللی، یک ویژگی و در عین حال عامل دشواری تحلیل ها در مورد ایران و پاکستان است.

بازیگران خارجی، به طور غیرمستقیم به دلیل جاه طلبی های سیاسی - ایدئولوژیکی و یا اقتصادی در سیاست منطقه دخیل هستند و قدرت های بزرگ چین، روسیه، آمریکا و نیز کشورهای منطقه ای شامل هند، عربستان سعودی و ترکیه را در بر می گیرند؛ در این نوشتار نویسندگان به تفصیل در مورد عملکرد و روابط آنها تحقیق کرده اند.

بخش اول این پژوهش (جلد اول در ۱۸۲ صفحه) به بررسی درگیری دامنه دار افغانستان پرداخته است و این کار، نظر به اهمیت این کشور به لحاظ جایگاه مرکزی آن در فضای آسیای مرکزی و نیز به دلیل بی ثبات شدن کل منطقه از سوی آن می باشد. این قسمت ضمن ارائه پیشینه ای از علل اصلی و تحولات این درگیری، روند و پی آمدهای موقت جنگ داخلی برای خود افغانستان و نیز تأثیرهای کنونی و آتی آن بر تحولات سیاسی و اقتصادی

منطقه را ارزیابی و بررسی می کند.

بنابه خواست وزارت دفاع آلمان، کانون تمرکز این بخش، ارائه فهرستی جامع از تحلیل ها و ارزیابی هایی در مورد مؤلفه ها و تغییرات بنیادینی است که شاخص تحولات کل منطقه آسیای مرکزی می باشند که به تحقیق در موارد خاص زیر، در این اثر منجر شده است:

- مبارزه طلبی ها، ارزیابی ها و دیدگاه های تحکیم داخلی دولت های آسیای مرکزی به عنوان شرط ثبات؛

- ظرفیت اقتصادی منطقه و اهمیت آن برای تجارت بین الملل و ایجاد تحول در داخل - تأثیر مهاجرت، تولید و قاچاق مواد مخدر و نیز تروریسم بر ثبات منطقه و روابط فرامنطقه ای؛

- تأثیر مستقیم سیاست امنیتی و خارجی بازیگران منطقه ای بر رشد و ترقی آسیای مرکزی و روابط بین المللی؛

- خط مشی های اصلی سیاست بازیگران خارجی در آسیای مرکزی؛

- نقش احتمالی و کنونی آسیای مرکزی به عنوان طرح و موضوع سیاست بین المللی.

در خانمه بخش نخست، این پژوهش، تحولات آتی منطقه، اهمیت بین المللی و نیز توصیه هایی برای سیاست آلمان و اروپا در آسیای مرکزی را ارزیابی کرده است.

بخش دوم شامل تحلیل هایی در مورد دیدگاه های خاص محققان در حوزه هایی است

ژوئیه ۱۹۹۵) بوده، به خوبی از عهده قضاوت در مورد مناسبات دولت‌های آسیای مرکزی پس از دوران شوروی برآمده و ضمن مذاکرات متقابل با وزارت امور خارجه آلمان و دیداری در بروکسل (سپتامبر ۱۹۹۷) در مورد جایگاه اروپا در آسیای مرکزی تحقیق کرده‌است.

نتایج

۱. آسیای مرکزی کانون توجه بسیاری از بازیگران (آمریکا، روسیه، اروپا، چین و دیگر دولت‌های صنعتی نیازمند به انرژی در جنوب آسیا) است که اساساً توجه خود را بر منابع نفت و گاز این منطقه متمرکز کرده‌اند. منابع احتمالی گاز به ویژه در ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان که بالغ بر ۱۳ درصد منابع کلی جهان (وجود ۶ درصد آنها به طور قطعی ثابت شده‌است) ارزیابی شده‌اند، حایز اهمیت جهانی می‌باشند.

این منابع به طور تعیین‌کننده‌ی بی‌اهمیت آسیای مرکزی در سیاست جهانی افزوده‌اند. مشکل اصلی در این مورد که موضوع بالقوه درگیری در منطقه است، ضرورت انتقال این منابع غنی از انرژی از طریق خاک کشورهای همسایه به دریای آزاد و از آنجا به بازار جهانی می‌باشد. دولت‌های CIS برای جلوگیری از وابستگی دوباره به مسکو از انتقال منابع از

که امکان بررسی تفصیلی در بخش نخست را نیافته‌اند؛ البته این تحلیل‌ها که مبنای مهمی برای بخش نخست محسوب می‌شوند؛ بیانگر نظر شخصی پژوهشگران با سابقه و شناخته شده‌ی نظیر «گراهام فولر»^۱، «آسترید فن بورکه»^۲، «پ. استبدان»^۳ و غیره می‌باشند.

بخش نخست با تقسیم‌بندی سه فصلی، در فصل اول توسط خانم «سیتا ماس» و با استفاده از منابع عمومی، تحقیق صورت گرفته که با اقداماتی نظیر سفرهای تحقیقاتی اولیه وی در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ به افغانستان، شناخت چندین ساله او از پاکستان و نیز اقامت دو ماهه تحقیقاتی برای این طرح در افغانستان و پاکستان (ژوئیه و اوت ۱۹۹۷)، گفت‌وگو با نمایندگان طرف‌های درگیر و سازمان‌های بین‌المللی (دولتی و غیردولتی) و هم چنین تماس مداوم با وزارت امور خارجه آلمان و ملاقات با اتحادیه اروپایی در بروکسل به منظور کسب اطلاعات، به طور ارزشمندی تکمیل گردیده‌است.

در فصل دوم «پوهانس رایسنر» به بررسی روند تحولات سیاسی منطقه می‌پردازد. وی در ژوئن ۱۹۹۷ در چارچوب این طرح به ترکمنستان سفر می‌کند و با اقامت در تهران (فوریه ۱۹۹۸) مسایل ایران در آسیای مرکزی را بررسی می‌نماید.

«رایسنر» که سابق براین ناظر سازمان امنیت و همکاری اروپا در تاجیکستان (مارس و

1. Graham Fuller

2. Astrid Von Borcke

3. P.Stobdan

کنسرسیوم‌ها براساس علاقه‌مندی به کسبِ نفوذ ملی هدایت نمی‌شوند بلکه در پی اقتصادی و عقلانی کردن بازار هستند. آنها می‌توانند در صورت امکان برخلاف منافع سیاسی قدرت‌های بزرگ عمل کنند و به طور غیرمستقیم تنش‌های سیاسی را تعدیل سازند.

به طور کلی مناسبات آمریکا با روسیه در سیاست مربوط به این منطقه چیزی بین رقابت و همکاری (تلاش برای هماهنگ‌سازی درگیری‌های منطقه‌یی از جمله در جنگ داخلی تاجیکستان و حال نیز افغانستان و یا تحمل نیروهای روسیه در منطقه از سوی آمریکا به دلیل کمک به ثبات آسیای مرکزی) است.

اروپایی‌ها فاقد منافع درجه یک در این منطقه می‌باشند و کمتر در حوزه خاص استخراج نفت و گاز شرکت می‌کنند. آلمان بیشتر به بازرگانی عمومی و تولید مشتقات انرژی علاقه‌مند است، زیرا می‌خواهد در زیر ساخت‌های ارتباطات و مخابرات برای توسعه بازار، سرمایه‌گذاری کند. از این‌رو آنها به روشن شدن نتیجه مجادله بر سر مسیر احداث خطوط لوله و نیز ثبات به عنوان شرط توسعه با دوام در منطقه وابسته می‌باشند.

علاقه‌مندی اروپایی‌ها به آسیای مرکزی و ثبات آن ناشی از تعهدات سیاسی حاصل از عضویت کشورهای آسیای مرکزی و عضو CIS در سازمان امنیت و همکاری اروپا و هم چنین به دلیل تمایل به همکاری متقابل با دیگر مناطق

اراضی روسیه ممانعت به عمل می‌آورند؛ در جنوب نیز جنگ داخلی افغانستان و تحریم ایران از سوی آمریکا از موانع اصلی محسوب می‌شوند؛ برای احداث خطوط لوله، ثبات منطقه ضروری است؛ اما هیچ یک از کشورهای این منطقه به منظور ایجاد ساختارهای همکاری و انعقاد توافق‌نامه از استحکام داخلی برخوردار نیستند؛ و این شرط قطعی و ضروری برای ایجاد ساختار بنیادین در اقتصاد انرژی و نیز توسعه منطقه به طور کلی می‌باشد.

۲. تلاش بازیگران خارجی برای سازماندهی مجدد تشکیلات ائتلافی و ایجاد وابستگی به معنای آن نیست که این منطقه برای آنها در اولویت اول می‌باشد. آمریکا و روسیه در موضوع خطوط لوله، رقیب یک‌دیگرند؛ آمریکا می‌خواهد جمهوری‌های شوروی سابق را مستقل سازد و کلیه دولت‌های منطقه را به استثنای ایران به توسعه اقتصادی برساند تا بتواند بازار فروش خود را گسترش دهد. روسیه علاوه بر علاقه‌مندی به صدور پر سود نفت و گاز از اراضی خود برای کسب نفوذ هرچه بیشتر و گسترده‌تر نسبت به قبل، در این منطقه می‌کوشد.

کنسرسیوم‌های بین‌المللی نفت نقش خاصی را در حلقه نفوذ در منطقه ایفا می‌کنند؛ زیرا فقط آنها می‌توانند از عهده هزینه‌های بالای سرمایه‌گذاری برای ایجاد ساختارهای استخراج در منطقه و زیر ساخت‌های انتقال برآیند؛ اما این

است. به عنوان مثال ایران و نقش آن در آسیای مرکزی و خلیج فارس و نیز پیوندهای آسیای مرکزی با روسیه و قفقاز حاکی از این مطلب می‌باشد.

اروپا به طور غیرمستقیم خود را در معرض خطر قاچاق موادمخدر از افغانستان (بزرگ‌ترین تولیدکننده موادمخدر در جهان و منطقه) می‌داند که علاوه بر بی‌ثباتی ساختارهای سیاسی و اجتماعی در منطقه به افزایش جنایات سازمان یافته در کشورهای همسایه اروپا کمک می‌کند.

چین در کنار روسیه دومین قدرت بزرگی است که به طور مستقیم با آسیای مرکزی هم مرز می‌باشد و ایفاگر نقشی فزاینده در این منطقه است. این کشور به نفت قزاقستان و گاز ترکمنستان علاقه‌مند می‌باشد و این منطقه را یک بازار فروش بالقوه می‌داند؛ هم چنین علاقه چین نسبت به این منطقه به دلیل آن است که می‌خواهد در برابر دولت‌های آسیای مرکزی به عنوان یک طرف اقتصادی و یک قدرت متوازن مطرح شود.

ترکیه، هند و عربستان سعودی به عنوان بازیگران خارجی آسیای مرکزی، ایفاگر نقش جزئی می‌باشند. حضور ترکیه در منطقه جنبه اقتصادی دارد، اما در مقابل جاه‌طلبی‌های سابق خود، در نقش «برادر بزرگ‌تر» ترک‌های آسیای مرکزی، دست به فعالیت‌های اندکی می‌زند. نکته مهم برای هند در این منطقه، عدم

۳. جنگ داخلی افغانستان علاوه بر ممانعت از احداث یک خط لوله گاز از ترکمنستان به پاکستان ضمن عبور از افغانستان، بر تحکیم دولت‌های تازه استقلال یافته اثری منفی دارد و به بی‌ثباتی پاکستان که در بحران غرق شده است، کمک می‌کند. این جنگ عاملی می‌شود تا ایران بگران حفظ ثبات داخلی در مرزهای شرقی خود باشد. قاچاق سلاح و موادمخدر از افغانستان و نیز مهاجرت از این کشور برای پناهندگی، امنیت منطقه را به میزان شایان توجهی به هم زده است.

در این میان جنگ داخلی افغانستان نیز هم چون مورد تاجیکستان بر سر تشکیل دولت، در گرفته است و یک نمونه افراطی از تحکیم ناکافی دولت را به نمایش می‌گذارد و این مشخصه کلیه دولت‌های آسیای مرکزی است. این نقیصه، ریشه در سلطه گروه‌های کوچک همبستگی (چه از اصل و نسب مشترک خانوادگی نشأت گرفته، یا از یک زیر گروه قبیله‌یی یا قومی باشند، و چه با تعلق‌های

منطقه‌یی - محلی تعریف شوند) دارد. تمایل این گروه‌ها به داشتن عملکردی هم چون یک جزیره خودمختار در درون دولت است. علاوه بر این، پدیده «دولت رفاه‌طلب»^۱ نیز وجود دارد. دولت و به عبارت بهتر اولیگارشی‌های حاکم، به برکت سرازیر شدن منابع مالی در مقابل جامعه، به نسبت خودمختار می‌باشند. تقسیم چنین منابعی در شبکه‌های مختلف (تخصیص بودجه) که بار دیگر در طول ساختارهای جزء، توزیع می‌شوند، علاوه بر سرکوبگری ابزار اصلی «دولت رفاه‌طلب» برای مالیات‌بندی است. براین اساس یک نظام پایدار از نوع حکومت مستبد و تحت‌الحمايه پدید می‌آید که با فشار دائمی، قدرت را حفظ می‌کند و چون فقط با مجوز تحت‌الحمايه مشروعیت پیدا کرده‌است، در وضعی نیست که برای همکاری سازمان یافته اقدام کند.

ساختارهایی را که براساس این الگو ارائه شده‌اند، می‌توان در بسیاری از تغییرات جزئی و روبه رشد تاریخی مشاهده کرد. این ساختارها از روند اصلاحات ضروری اقتصادی - اجتماعی مانع می‌کنند. با توجه به ساختارها و شرایط مشروحه، دستیابی به اهداف مورد نظر (اقتصاد بازار، دولت حقوقی و جامعه مدنی مردم‌سالار) و میزان توانایی بازیگران خارجی نظیر دولت‌های اروپایی و اتحادیه اروپایی برای کمک به تحقق این اهداف، مشکلی است که در بهترین وضع فقط

در مراحل ابتدایی قابل حل می‌باشد.

۴. مادام که جنگ افغانستان در واقع به عنوان جنگی بین نمایندگان شرق و غرب عمل می‌کرد، مسأله تشکیل اصولی حکومت در جامعه افغانستان که به گروه‌های قومی یا مذهبی تجزیه شده بود، چندان اهمیتی در روند درگیری نداشت. اما پس از فروپاشی اتحاد شوروی و تبدیل این درگیری به یک جنگ داخلی، این موضوع به یک مسأله تعیین‌کننده بدل گردید.

حمایت ابتدایی آمریکا از طالبان به دلیل احداث خطوط لوله بود که باعث استقلال ترکمنستان از روسیه می‌شد و ایران را منزوی می‌ساخت. اما پس از شکست حمله طالبان در مه سال ۱۹۹۷ برای تصرف مزار شریف، مرکز استقرار «ائتلاف شمال» خواستار تشکیل «حکومتی مرکب از نمایندگان کلیه طرف‌های درگیر»^۲ گردید و از اکتبر سال ۱۹۹۷ ایران و آمریکا با میانجی‌گری سازمان ملل در گفت‌وگوهای ۲+۶ (شامل ۶ همسایه افغانستان و دو کشور روسیه و آمریکا) شرکت کردند.

عاقبت افغانستان روشن نیست؛ خطر فزاینده گستره جنگ از مرزها وجود ندارد؛ اما نگرانی‌های اصلی تأثیرهای بی‌ثبات‌کننده این جنگ به ویژه بر پاکستان است که از مدت‌ها پیش گرفتار یک بحران خطرناک می‌باشد.

۵. با توجه به تحولات سیاسی منطقه

1. Rent- Seeking- State

2. Board- Based government

دست کم یک بار به عنوان محل تشکیل کسفرانس انتخاب شدند. در این جا یک دیپلماسی کارآمد برای انجام ملاقات، حاکم شده بود. بازرگانی کنترل نشده (تجارت چمدانی) در میان کشورهای این منطقه انواع کالا را از سراسر جهان در اختیار مصرف کنندگان قرار می داد و امروز این اقدام، به یک امر بدیهی تبدیل شده است.

۶. با وجود افزایش فعالیت های داخلی، آسیای مرکزی هنوز منطقه یی است که فاقد یک «نظام کانالیزه» می باشد. کشورهای این منطقه با وجود آمادگی برای همکاری سازمانی، از فقدان میزان کافی در تولید داخلی، کشاورزی و نیز صنعت رنج می برند. مراودات بازرگانی موجود، به هیچ وجه یک جانشین هم ارز برای کانالیزه کردن تولید نیست.

با این حال می توان در آینده قابل پیش بینی، احتمالاً روی درآمد حاصل از ایجاد بازار برای منابع انرژی حساب کرد، اما این بازار به ایجاد روابط قابل مقایسه اقتصادی - اجتماعی نظیر دولت های کوچک تولیدکننده نفت در خلیج فارس نخواهد انجامید؛ و ترکمنستان نیز به یک «کویت دوم» بدل نمی گردد. برعکس باید انتظار تضادهای شدیدی را میان آنان که دستی در این ثروت نوظهور دارند و نیازهایشان رویه فزونی گذاشته است و آنها که راهی به آن نمی یابند (به ویژه روستایی ها) داشته باشیم. روی هم رفته این منطقه بین دولت های فقیر و

پس از سقوط شوروی، جنگ داخلی تاجیکستان از دو بعد مطرح می شود:

- ایجاد یک ثبات نسبی در ترکیب اراضی دولت های منطقه و در مرزهای موجود دولتی؛

- فعالیت فزاینده داخلی در منطقه.

مورد اول در فرمان سقوط اتحاد شوروی به هیچ وجه بدیهی نبود. علاوه بر درگیری افغانستان، در تاجیکستان نیز جنگ داخلی در گرفت. درگیری های سیاسی قومی موجب تغییر مرزهای پذیرفته شده اتحاد شوروی گردید. هم چنین این درگیری ها و در ایران نیز باعث هراس از تشکیل یک دولت چندملیتی با اقلیت های فراملی آن شدند. در این میان منطقه آرام شده است و این به معنای آن نیست که دیگر نباید روی درگیری های سیاسی -

قومی حساب کرد. البته دیگر این وضعیت نیز به عنوان پی آمد سقوط یک امپراتوری، مسؤول آن محسوب نمی شود بلکه علت اصلی، نارضایتی از وجود بی عدالتی در تقسیم اراضی است؛ چون این کار براساس ساختارهای اسمی دولت و جامعه و جهت گیری های سنتی و اجتماعی - سیاسی صورت گرفته است. افزایش فعالیت های داخلی و روابط متقابل که از زمان فروپاشی شوروی در آسیای مرکزی قابل مشاهده می باشد، به هیچ وجه فقط یک طبیعت پر تنش نیست. برای خاتمه بخشیدن به جنگ داخلی تاجیکستان، کلیه پایتخت های منطقه تا ناآشکنند،

به نسبت غنی تقسیم خواهد شد.

عدم تفاهم میان فعالیت‌های فزاینده داخلی با وجود کمبود آمادگی دولت در همکاری‌های سازمان یافته، حاکی از فقدان یک رژیم آبی است که برکل منطقه دست اندازد. سابق براین تأمین آب ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان که برای ادامه حیات تولیدات کشاورزی ضروری بود، از ارتفاعات تاجیکستان و قرقیزستان و از طریق عبور از مراکزی در مسکو صورت می‌گرفت. اما امروز از موضوع انتقال آب، استفاده سیاسی می‌شود و تأمین آب به طور کلی هم چنان متزلزل است.

۷. سیاست خارجی بازیگران منطقه‌یی

بر مبنای تلاش برای کسب اقتدار و اعمال تهدید گسترده شکل گرفته است. تغییر در مرزهای خاک‌ی و دولتی به وضوح ممنوع است و یک حریم محسوب می‌شود. اما این نوع رایجی از عملکرد یک رژیم مستبد با مشروعیت ضعیف و ناتوان از همکاری است که همسایگان آن می‌توانند از طریق گروه‌های تحت‌الحمایه قومی و فراملی و نیز به نام مشروعیت قومی - ملی، انتخاب‌های ممکن، برای کسب نفوذ و به انگیزه قدرت‌یابی را جست‌وجو کنند. در اینجا نیز افغانستان یک مورد افراطی است. البته قابل درک است که این رژیم به دلیل تجارب حاصل از جنگ داخلی تاجیکستان و افغانستان از دلبه بودن این ابزار (یعنی گروه‌های تحت‌الحمایه مذکور) آگاهی بیشتری دارد.

سیاست‌های امنیتی دولت‌های عضو CIS در آسیای مرکزی را مادام که با یک سوء تفاهم خاص در مورد وجود تهدید، عجین شده‌اند، نمی‌توان تلاش برای کسب امنیت نامید. این کشورها احساس می‌کنند که با توافق‌نامه تاشکند در مه سال ۱۹۹۲ هر مورد امنیت جمعی، که با روسیه و دیگر دولت‌های عضو CIS منعقد گردید امنیت خود را حفظ کرده‌اند و حفاظت از مرزهای خود را (تا ازبکستان) هم چون گذشته به مرزبانی روسیه واگذار نموده‌اند. (ترکمنستان در این قرارداد بی‌طرف بود).

تلاش‌های نظامی پاکستان و ایران در حوزه امنیت قابل مشاهده می‌باشد؛ اما این کشورها را باید در بافت خاور نزدیک و جنوب آسیا مدنظر قرار داد. ایجاد مدیریت امنیتی که علاوه بر فضای آسیای مرکزی، بخش غربی «منطقه خزر» را نیز شامل شود، هنوز در حد یک آرزوی محال می‌باشد.

در کلیه دولت‌های منطقه، امنیت داخلی رژیم که به شیوه‌های مختلف برای حفظ آن تلاش می‌شود، از جایگاه ارزشی بالایی برخوردار است.

۸. احتمالاً در زمان قابل پیش‌بینی، راه‌حل برای مسأله خطوط لوله در آسیای مرکزی به دست خواهد آمد؛ در این صورت ایران به مهم‌ترین کشور در بین دو منطقه آسیای مرکزی و خلیج فارس بدل خواهد شد و این همان

دگرگونی در داخل جامعه، به شکل مسالمت‌آمیز باشد و به توسعه پایدار بینجامد، قابل تأمل می‌باشد.

اما تصویر ارائه شده از این شرایط را می‌توان در قالب چهار نکته زیر مطرح کرد:

- آسیای مرکزی نه برای قدرت‌های بزرگ و نه برای اروپا از اهمیت درجه اول برخوردار نیست، اما در عین حال نمی‌تواند برای آنها موضوعی حاشیه‌یی باشد.

- هم چنین ایجاد بازار برای منابع انرژی به طور موفقیت‌آمیز و بدون تلاش‌های گسترده برای توسعه دیگر حوزه‌های تولید، هیچ‌گاه نمی‌تواند یک کشور از منطقه آسیای مرکزی (یا کل این ناحیه) را قادر به ایفای یک نقش شاخص بین‌المللی سازد.

- توسعه راه‌های فرامنطقه‌یی ارتباطات و مخابرات در فضای آسیای مرکزی نظیر ایجاد بازار برای منابع انرژی، تأثیری مثبت، بر کل منطقه بر جای می‌گذارد؛ اما این که آسیای مرکزی به عنوان بخشی از «جاده ابریشم»، بار دیگر بتواند به جایگاهی که سالیان پیش در تجارت بین‌الملل داشت، دست یابد، غیرممکن است.

- تحقیق روندهای دگرگونی عمیق در مناسبات دولت و جامعه برای توسعه و اهمیت آتی کشورهای آسیای مرکزی، نقشی تعیین‌کننده دارد. تنها تحت این شرایط است که منابع انرژی و تکمیل زیرساخت‌ها به پی‌ریزی

چیزی است که ایران می‌خواهد. این وضع، پیوستگی ایران به ساختارهای موجود در این دو منطقه را ضروری‌تر می‌سازد.

اما اگر مسأله انتقال منابع انرژی آسیای مرکزی به بازارهای جهانی هم چنان وجود داشته باشد، احتمال نمی‌رود که به خاطر این منابع، برخوردی میان قدرت‌های بزرگ صورت گیرد. اگر روابط میان قدرت‌های بزرگ به طور کلی به وخامت گراید و حتی به برخورد بینجامد، آسیای مرکزی با حفظ امنیت، در آنها درگیر خواهد شد. روسیه ممکن است به دلیل نفوذ فزاینده آمریکا و نیز دیگر دولت‌های غربی، خود را تحت فشار احساس کند؛ و رقابت پنهان با چین که با وجود همکاری میان دو کشور وجود دارد، ممکن است به صورت حاد درآید. البته در همین حالت نیز احتمال این که روسیه مثلاً از ظرفیت درگیری‌های قومی - سیاسی در منطقه استفاده کند، تا مانع از گسترش نفوذ طرف مقابل گردد، وجود ندارد. با وجود آن که چنین وضعی در قفقاز رخ داد اما تنها همین تجربه حاصل از جنگ داخلی افغانستان کافی است که از بروز چنین بازی خطرناکی در «جلوی صحنه» احتراز شود.

در انتها می‌توان انتظار داشت که در آسیای مرکزی ثبات فزاینده‌یی حاصل شود و دست کم راه، برای اقدامات جنگی در افغانستان سد گردد. البته به هر حال بروز ثباتی پویا که نمایانگر توان‌مندی برای تسلط بر روندهای

غیرمستقیم آن، وظیفه خود می‌دانند، در منطقه‌یی که در مواردی عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا می‌باشد، نقش مثبتی ایفا کنند (و فرصت مناسب برای انجام این کار را نیز مشاهده کرده‌اند).

لادن مختاری

چارچوب‌های همکاری و توافق برای ایجاد و ثبات منطقه‌یی منجر می‌گردند.

مشاهده می‌شود که اروپا (به ویژه آلمان) سیاست خود را در آسیای مرکزی به سمت یکپارچگی کلیه دولت‌های منطقه هدایت کرده‌است. آنها علاوه بر در نظر داشتن امکانات سودآور در آسیای مرکزی و مخاطرات بالقوه و



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی